



# شرحی از تاریخ سغد

اولگا ایوانوونا اسمیرنوا

ترجمه

لیلا زین شه



ژوبیشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

# شرحی از تاریخ سغد

اولگا ایوانوونا اسمیرنوا

مترجم

لیلا ربین‌شه



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران، ۱۳۹۷



## پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران، صندوق پستی ۶۴۱۹-۱۴۱۵۵، تلفن: ۳-۸۱۰۴۶۸۹۱، فکس: ۸۸۰۳۶۳۱۷

### شرحی از تاریخ سغد

مؤلف: اولگا ایوانوونا اسمیرنوا

مترجم: لیلا رُین شه

مدیر انتشارات: ناصر زعفرانچی

مسئول فنی: عرفان بهار دوست

ناظر چاپ: مجید اسماعیلی زارع

چاپ اول: ۱۳۹۷

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: تفرید

حق چاپ برای پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی محفوظ است.

سرشناسه: اسمیرنوا، اولگا ایوانوونا، ۱۹۱۰ - م.

Smirnova, Olga Ivanovna

عنوان و نام پدیدآور: شرحی از تاریخ سغد / اولگا ایوانوونا اسمیرنوا؛ مترجم لیلا رُین شه

مشخصات نشر: تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری: ۴۱۵ ص: جدول.

شابک: 978-964-426-947-9

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: О ЧЕРКНИИЗИСТОРИИСОГДА

یادداشت: کتابنامه.

موضوع: سغد -- تاریخ

Sogd (Asia, Central) -- History

شناسه افزوده: روبین شه، لیلا، ۱۳۳۰ - مترجم

شناسه افزوده: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

شناسه افزوده: Research Institute for Humanities and Cultural Studies

رده بندی کنگره: ۱۳۹۶ ۵الف۷ص/۸۵۵/۵ DK

رده بندی دیویی: ۹۵۸۷

شماره کتابشناسی ملی: ۴۸۵۹۶۸۷

با سپاس فراوان از اساتید بزرگوارم  
سرکار خانم دکتر زهره زرشناس

و

استاد ارجمندم روان‌شاد جناب آقای دکتر عنایت‌اله رضا  
به خاطر همکاری صمیمانه ایشان

## فهرست مطالب

پیشگفتار..... ۳

مقدمه..... ۵

فصل اول: نکاتی چند از ساختار اجتماعی سغد..... ۲۷

خاندان‌های حاکم (چژائو- او)..... ۳۰

درباره قشرهای اشراف..... ۴۴

آزادان..... ۷۵

پی‌نوشت‌ها..... ۹۵

فصل دوم: شرحی از اقتصاد سغد... پیرامون مسائل ارضی و سایر منابع درآمد

دهقانان..... ۱۳۱

بازارها..... ۱۶۶

اقتصاد پولی..... ۲۰۲

پی‌نوشت‌ها..... ۲۵۴

فصل سوم: شرحی پیرامون تاریخ اشغال سغد توسط عرب‌ها..... ۲۹۶

معاهده سال ۷۱۲ میلادی سمرقند..... ۳۰۱

نامۀ عبدالرحمان بن صبح به دیواشتیج..... ۳۱۱

دیواشتیج..... ۳۴۰

چه عاملی سبب گرایش عرب‌ها به سغد شد؟..... ۳۶۰

پی‌نوشت‌ها..... ۳۷۷

فهرست علائم اختصاری..... ۴۰۲

جدول زمان‌بندی دودمان‌های آسیای میانه در سده‌های ۷-۸ میلادی..... ۴۰۸

## پیشگفتار

کتاب حاضر روشنگر برخی مسائل تاریخ اجتماعی-اقتصادی سغد در اوایل سده‌های میانه است. این کار بر پایه تحقیقات وازه‌شناختی مدارک تاریخی ذیل انجام شده است: مدارک داستانی، مدارک با مضامین و منشأهای مختلف، آثار کتیبه‌ای، و، سرانجام، سکه‌های آسیای میانه و به طور کلی سکه‌های سغدی. اثری که هم‌اکنون پیش‌روی شما است ادامه تحقیقات مؤلف در زمینه سکه‌شناسی و تاریخ سغد در اوایل سده‌های میانه است که با سکه‌شناسی سغدی آغاز گردید.

قسمتی از این تحقیقات، کار مشترک من (نگارنده) با م. ن. بوگلیوبوف Bugliubof است که در سال ۱۹۵۸ م بر روی اسناد سغدی بایگانی‌های کوه مغ و انتشار آنها آغاز شده بود.

وظیفه خود می‌دانم از همه کسانی که در به ثمر رسیدن این اثر شرکت نمودند، به ویژه از ن. و. پیگولفسکایا Pigulevskaya، او. آ. سوخاریوا Sukhareva، یو. یا. پریپلکین Perpelkin، م. م. ماندلشتام Mandelshtam و ن. د. میکلوخوماکلای Miklukho Maklay سپاسگزاری نمایم.

در این اثر، متن‌های سغدی با الفبای لاتینی رایج در جهان حرف‌نویسی شده‌اند. تنها در برخی موارد اصطلاحات (از جمله، عنوان‌ها)، اسامی خاص و نام‌های جغرافیایی با الفبای روسی و نزدیک به تلفظ اصلی آنها نوشته شده است. نام‌ها و اصطلاحات و عنوان‌های محلی چینی با حروف روسی و لاتینی

آوانویسی و به گونه‌ای ارائه شده که نزدیک به تلفظ آنان و قابل قبول باشد. اسامی خاص عربی و فارسی، نام‌ها و اصطلاحات جغرافیایی نیز به همین ترتیب با الفبای روسی ولی بدون اشاره به کشیدگی و یا کوتاهی مصوت‌های آنها آمده است. بنابر دلایل فنی، کشیدگی مصوت‌ها تنها در نقل قول‌ها نشان داده شده است، مثل حرف بی صدای (ع) که با (ُ) در بالای کلمه مشخص شده است. اصطلاحات حرف نویسی شده با حروف الفبای روسی مورد استفاده در آثار شرق‌شناسی کشور ما در درون پرانتز نوشته شده است. نام‌ها و واژه‌های پذیرفته شده در زبان روسی به همان صورت مقرر آمده‌اند. متون عربی و فارسی با خط عربی نوشته شده‌اند.

پس از آماده شدن این اثر برای چاپ چند اثر تحقیقی دیگر نیز به دستم رسید که توفیق بهره‌گیری از آنها میسر نشد ولی مورد نظر واقع گردید. از جمله این آثار «تاریخ خلق تاجیکستان» است که کاری جامع در زمینه تاریخ آسیای میانه بوده و توسط انستیتوی تاریخ آکادمی علوم احمد دانش جمهوری تاجیکستان تدوین یافته است.

## مقدمه

سغدیانان بزرگ‌ترین و قدیمی‌ترین واحه فرهنگی آسیای میانه است که در حوضه زرافشان و کشک دریا واقع شده است. مطالعه و تحقیق این واحه فرهنگی از مدت‌ها پیش وارد بستر کلی تاریخ آسیای میانه گردیده است. تحقیقات جدی درباره تاریخ آسیای میانه بعد از الحاق ترکستان به آن سرزمین آغاز گردید.

حدود اواسط سده نوزدهم میلادی ادبیات بسیار در خور توجهی درباره آسیای میانه گردآوری شد. در نیمه دوم همان سده منابعی منتشر گردیدند که برای مطالعه این منطقه از اهمیتی زیاد برخوردار بودند. تحقیقاتی نیز در همین زمینه انجام گرفت. در سال ۱۸۷۷ م نخستین اثر تحقیقی درباره سغدیانان کهن انتشار یافت. به نوشته و. توماشیک Tomashek، مؤلف اثر مذکور، این کتاب نخستین کوشش جهت احیای نقشه تاریخی - جغرافیایی و سیاسی سغدیانان کهن و سده‌های میانه بر پایه آثار مشهور کلاسیک و منابع چینی و اسلامی است.

تحقیقات باستان‌شناختی آسیای میانه، عملاً در نیمه دوم سده نوزدهم م آغاز و در ابتدای سده بیستم م با اکتشافاتی همراه شد. در این مدت بخشی از خرابه‌های شهرهای باستانی از جمله بقایای سمرقند کهن (افراسیاب) کشف گردید. در برخی از مکان‌ها کشفیاتی جزئی و نامنظم انجام شد، ولی ضمن کشفیات مذکور اشیاء بزرگی به دست آمد که صراحتاً باید گفت از نوع درجه یک (مجموعه‌ای از دخمه‌های پر از استخوان مردگان سغدی) بودند. عمده‌ترین نتایج مؤثر توسط ن.

ای. وسلوفسکی Veselovski (۱۸۷۵ م) به دست آمد که سرآغازی برای کار باستان‌شناختی در خرابه‌های شهر سمرقند کهن (افراسیاب) بود. دیگری توسط ن. ف. سیتنیاکوفسکی Sitniakovski (۱۸۹۶ م) به دست آمد که نقشه‌برداری از بخارا و واحه بخارا در سال ۱۸۹۶ م بود. آثار و آ. ژوکوفسکی که مطالعه همه جانبه واحه مرو و سه خرابه مرو کهن و تطبیق نتایج حاصله با داده‌های منابع کتبی بود از اهمیت بسزایی برخوردار گردید.

دانشمندان روسی و غربی تقریباً همزمان به مغولستان شمالی و ترکستان شرقی رفتند. در امتداد رودخانه‌های آرخن (اورخون، ارخون) و نیسی Enisey آثاری با خط ترکی کهن، از جمله کتیبه مشهور سه زبانی قَرَبَلَقْسُون (قربالقسون) یافت شد [که به زبان‌های ترکی کهن، چینی و زبان سغدی (بالنسبه متأخر) است]. این کتیبه توسط ن. ای. یادرینسف yadrinsev به سال ۱۸۸۹ م کشف گردید. با ارائه این آگاهی‌های جدید، برای نخستین بار رابطه متقابل قلمروی آسیای میانه با خاقانات ترک و چین به صورتی روشن مشخص گردید. اولین پژوهش گسترده در این زمینه توسط ا. شاون Shavan انجام شد.

این کشفیات مشوق و انگیزه‌ای برای تحقیقات عمیق‌تر پیرامون تاریخ، تاریخ فرهنگ آسیای میانه و استفاده وسیع از مآخذ مکتوب به دست آمده در جریان اکتشاف‌ها گردید. سال ۱۹۰۰ م اثر برجسته و. و. بارتولد با عنوان «ترکستان در عصر حمله مغول» انتشار یافت که روشن‌کننده رویدادهای پیش از آن نیز بود. اثر مذکور عصری نوین در تاریخ تحقیق و پژوهش آسیای میانه پدید آورد. و. و. بارتولد بنا بر شیوه علمی خویش نه تنها از منابع متعددی بهره جست و بر اساس آنها چکیده تاریخی - جغرافیایی درخشانی از ماوراءالنهر (فرارود) در آسیای میانه تدارک نمود، بلکه تصویری کلی از تاریخ سیاسی و تاریخ اجتماعی - اقتصادی آنرا در ادوار مختلف نیز ارائه کرد. این نکته حائز اهمیت است که بارتولد در این

اثر همانند دیگر آثارش به طرح و بررسی سلسله مسائلی پرداخت که با تاریخ آسیای میانه در اوایل سده‌های میانه ارتباط داشت. او به گونه‌ای مستدل نشان داد که حمله عرب‌ها به عنوان یک عامل خارجی به آسیای میانه صرفاً جنگ نبود، بلکه دگرگونی‌هایی را در روابط اجتماعی و رونق اقتصادی آن سرزمین نیز موجب گردیدند. همین روش تحقیق، نموداری از وجه تمایز ریشه‌ای کار و. و. بارتولد با تحقیقات دانشمندان پیش از او بود، زیرا آنها تنها به بررسی بخشی از مسائل مربوط به تاریخ سیاسی و جغرافیای تاریخی آن سرزمین پرداخته بودند.

ما دربارهٔ سغدشناسی، به منزلهٔ یک رشتهٔ مستقل علمی، تنها از زمانی قادر به تحقیق شدیم که دست‌نوشته‌های مکشوف هیات ا. اشتاین (استاین) و پ. پلیو در کشفیات ترکستان شرقی به دست دانشمندان ما رسید. این دست‌نوشته‌ها بعد از کشف بلافاصله مورد توجه تمام شرق‌شناسان جهان قرار گرفت.

تحقیق پیرامون یکی از دست‌نوشته‌های نویافته موجب کشف زبان سغدی شد. پیش‌تر، این زبان را از روی توضیحات موجود در منابع و برخورد با برخی از کلمات سغدی موجود در متون می‌شناختند. دست‌نوشته‌های سغدی مکشوفه دارای متونی متفاوت بوده و هر یک بنا بر مضامین خود تحت عناوین سغدی بودایی، سغدی مسیحی، سغدی مانوی شناخته شده‌اند. اولین متونی که با خط به اصطلاح سغدی بودایی نوشته شده و در زمان خود از روی آثار اویغوری شناخته شد، بعدها نیز به نام خط سغدی ملی یا خط دولتی نامیده شد. متون دیگر به خطی با منشأ سریانی نوشته شده‌اند که مسیحیان و مانویان از آنها استفاده می‌کردند. هیأت باستان‌شناسی ا. اشتاین در سال‌های ۱۹۰۶-۱۹۰۸ م در ویرانه‌های پادگان مرزی غرب تون هوانگ (دون هوان) غیر از اسناد و مدارک دیگر به بقایای چاپارخانه‌ای سغدی دست یافتند که در آن چندین نامهٔ شخصی (نامهٔ سغدی بودایی) وجود داشت و بنا بر رسم علمی «نامه‌های کهن» نامیده

شدند. این نامه‌ها اولین متن‌های اصیل سغدی هستند و بعدها و. ب. هنینگ مشخص ساخت که تاریخ نگارش آنها متعلق به سده چهارم میلادی است. در زمستان سال‌های ۱۹۱۴-۱۹۱۵ م سرپرست دومین هیأت اعزامی روسی به ترکستان به نام س. ف. اولدنبرگ به تعدادی دست‌نوشته و شمار کثیری بریده نامه دست یافت که به نظر می‌رسید به مردم بومی تون‌هوانگ تعلق داشته است. قسمتی از این دست‌نوشته‌های مکشوف به زبان سغدی بودند.

تحقیقات واژه‌شناختی اسناد جدید در غرب صورت گرفت. اولین تحقیقات و انتشار متون سغدی بودایی را ر. گوتیو و متون مسیحی را ف. و. ک. موللر انجام دادند. در روسیه، ک. زالمان Zaleman یکی از اولین راهنماهای دستور زبان سغدی را از روی متون با مضامین مسیحی چاپ نمود. در این یافته‌های جدید مشخص گردید که متن سوم کتیبه قربالقسون که به نظر می‌رسید سغدی باشد با خطی دیگر نوشته شده است. این موضوع را ف. و. ک. موللر و ک. آندریاس Andreas نیز تأیید نمودند.

کشفیات جدید توجه محققان را به سغد کهن و مستملکات آن معطوف نمود. این کشفیات، نقش فرهنگی و سیاسی سغدی‌ان را در آسیای میانه، اهمیت آنان را به عنوان واسطه و یا شریک در تجارت جهانی آن زمان و فعالیت مستعمراتی آنان را در شرق مشخص می‌ساخت. با شروع جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۴ م عملاً انتشار آن قطع گردید.

اولین انتشار مجدد این مدارک سغدی توسط ف. آ. روزنبرگ انجام شد. او در سال‌های ۱۹۱۷-۱۹۲۰ م سه قطعه از متون سغدی مخزن تون‌هوانگ (دون‌هوان) موزه آسیایی را چاپ نمود.

با گذشت زمان، تعداد نسبتاً زیادی مدرک در زمینه باستان‌شناسی آسیای میانه در روسیه نگاشته شد. ولی به گونه‌ای که هم اکنون نوشته‌اند، این موارد اتفاقی

بودند، زیرا حفاری‌های انجام شده جنبه تجسسی و در نتیجه غیر حرفه‌ای داشته‌اند. تنها بعد از انقلاب سوسیالیستی اکتبر می‌شد درباره کارهای نسبتاً گسترده و در اصل طبق برنامه باستان‌شناسان سخن گفت که بعداً به تدریج تمام خطه آسیای میانه را نیز در بر گرفت. از این زمان در جای جای این مملکت، سازمان‌هایی جهت حفظ و حراست از این آثار و تحقیق بر روی آنها تأسیس گردید. میان شرق‌شناسانی که در زمینه موضوعات آسیای میانه تحقیق می‌کردند ارتباطی بسیار نزدیک برقرار گردید. در سال‌های بیست، تعدادی از آثار بسیار مشهور و. و. بارتولد و دیگر دانشمندان ما منتشر گردیدند. در سال‌های سی، اولین گروه بزرگ اعزامی تشکیل گردید. نزدیک به سال‌های چهل سده ۲۰ م کارهای باستان‌شناختی آسیای میانه صورتی استوار به خود گرفت. بزرگ‌ترین رویداد در زمینه سفدشناسی این دوره در سال ۱۹۳۱ م روی داد. در این سال اسنادی سفدی در کوه مغ تاجیکستان و در دژ کوچک مکشوف قلعه مغ یافت گردید که بر روی چوب، پوست و کاغذ نوشته شده بودند. در سال ۱۹۳۲ م مجموعه‌ای ویژه از یافته‌های جدید منتشر گردید که حاوی اولین یادداشت کوتاه آ. آ. فریمان پیرامون اسناد سفدی کوه مغ و تحقیق برجسته و. آ. کراچکوفسکی و ای. یو. کراچکوفسکی درباره تعیین زمان و مکان نگارش این اسناد بود. در همان سال آخرین اثر ف. روزنبرگ Rozenberg درباره نامه‌های باستانی سفدی دون هوآن منتشر گردید. ف. روزنبرگ اولین سفدشناس روسی از دنیا رفت بدون آنکه یافته‌های جدید را دیده باشد. آ. آ. فریمان چهار سند از اسناد سفدی یافت شده را منتشر نمود.

در سال‌های بیست، در روسیه و غرب جنب و جوش بسیاری پیرامون شرق‌شناسی از جمله سفدشناسی برپا گردید. در سال ۱۹۲۳ م اولین اثر گ. گیب منتشر گردید که درباره فتوحات عرب‌ها در آسیای میانه، به طور اخص، به

تحقیق پرداخته بود. کتاب ک. شیراتوری نیز به عنوان دومین کتاب بعد از اثر و. توماشک در زمینه جغرافیای تاریخی سغدیانا در همین سال منتشر گردید. پژوهش و انتشار متون سغدی که با جنگ جهانی اول متوقف شده بود دوباره آغاز شد و پژوهش‌های مهمی صورت گرفت که مهمترین آنها دستور زبان ر. گوتیو (که بعد از مرگش به چاپ رسید) و ی. بنونیست Benvenist است. به کوشش ه. رایشل متون بودایی و نامه‌های باستانی حاصل از تورفان (تُرفان) هم منتشر گردید. او. هانزن به چاپ متن سغدی کتیبهٔ قربالقسون مبادرت ورزید. متون مسیحی به کوشش ف. و. ک. مولر و و. لتس Lents منتشر گردیدند. اولین انتشار متون مانوی توسط و. ب. هنینگ به بازار آمد. تحقیقات ای. مارکوارت دربارهٔ جغرافیای تاریخی شرق ایران به چاپ رسید. در سال‌های چهل و بعد از پایان جنگ جهانی دوم دوباره انتشار متون سغدی آغاز گردید. ی. بنونیست حرف‌نویسی و ترجمه مدارک سغدی هیأت پ. پلیو را که در کتابخانهٔ ملی پاریس نگهداری می‌شدند و آلبوم عکس خبرنگاری آنان و همچنین قطعاتی از متون مسیحی را دوباره چاپ و منتشر نمود. و. ب. هنینگ به انتشار تحقیقات خود در زمینهٔ متون مانوی و بسیاری تحقیقات دیگر و او. هانزن در زمینهٔ متون مسیحی مجموعهٔ برلین ادامه دادند. اولین مقالات ای. گرشویچ Gershevich و سپس کار اساسی او که پژوهش بر روی دستور زبان متون سغدی مانوی بود، به چاپ رسیدند. ادامهٔ تحقیقات عمیق تاریخی - جغرافیایی ای. مارکوارت دربارهٔ ایران و آسیای میانه (که از روی اثر بطلمیوس دربارهٔ سغدیانا است) به چاپ رسید. آثار ب. اشپولر، ر. ن. فرای، م. ف. آلتهایم Althaym، ک. انوک Enok، ک. شیراتور و سایرین منتشر گردیدند.

در طی دو دهه بعد از جنگ جهانی دوم، باستان‌شناسی آسیای میانه، از جمله باستان‌شناسی سغد، به طور قابل توجهی پیشرفت نمود. آثار بسیار باارزش

فرهنگی مورد پژوهش قرار گرفتند. کشفیات ورّخسه در سال‌های متفاوت (از سال ۱۹۳۷ م) در غرب بخارا انجام شد. بقایای کاخ فرمانروای بخارا که دیوارهایش پوشیده از نقاشی بود توسط آ. شیشکین کشف گردید. کار بر روی زرافشان وسطا از سال ۱۹۴۶ م آغاز گردید. این کار توسط هیاتی سغدی - تاجیکی به ریاست آ. یو. یاکوبوفسکی yakobovski مبتکر و خلاق تا سال ۱۹۴۶ م هر ساله به طور منظم انجام می‌شد تا اینکه به تدریج سمرقند باستانی یعنی خرابه‌های شهر قدیمی افراسیاب نیز مورد پژوهش قرار گرفت. در زرافشان و در محلی که کوه‌ها از رودخانه عقب نشسته‌اند و دره‌ای حاصلخیز با زمین‌های جنگلی و رودخانه به وجود آورده‌اند، بقایای شهر اوایل سده‌های میانه یعنی پنجکنت (پنجکند) کهن با نقش و نگار زیبای آن کشف گردید. اکتشافات اسروشنه باستانی در سال ۱۹۵۰ م آغاز گردید. اولین بقایای نقش و نگار اسروشنه بر روی دیوار بنای شهر دوقلوی شهرستان (واقع در جنوب غربی شهر کنونی) پیدا شدند. اولین سند که همان سند سغدی است در همین ویرانه‌ها در سال ۱۹۶۲ م پیدا شد. به تدریج نقش و نگارهای تمام خطه ماوراءالنهر آسیای میانه کشف گردیدند که برای پژوهش بر روی فرهنگ مادی و معنوی اقوام یکجانشین این کشور به عنوان منبعی جدید، فوق‌العاده گسترده و عمیق تلقی می‌شد. نتایج کار هیأت سغدی - تاجیکی که دربارهٔ نقش و نگارهای پنجکنت است در مجموعهٔ ویژه‌ای انتشار یافت.

کاوش‌های باستان‌شناختی این دوره، آغازی برای فصلی جدید در پژوهش آسیای میانه گردید. یکی از مسائل اساسی قابل پژوهش، تاریخ اجتماعی - اقتصادی آسیای میانه و تقسیم‌بندی ادواری آن بود. اولین پژوهش کلی پیرامون تاریخ جمهوری‌های ازبکستان و تاجیکستان که از نظر تاریخی در مجموعهٔ سغدیانیای باستان قرار می‌گیرند، انجام شد. دانشمندان باستان‌شناس سغد باستان با

کار بر روی چنین آثار کلی نظیر تکنگاری آ. ای. ترنوژکین Ternozhkin تحت عنوان «سغد و چاچ» (که تاکنون به چاپ نرسیده) و کتاب و. آ. شیشکین تحت عنوان «ورخشه» که در سال ۱۹۶۳ م منتشر گردید، به موفقیت‌های بزرگی دست یافتند. پژوهش و. ل. وارونینا Varonina تحت عنوان «مسائل شهرهای آسیای میانه، در اوایل سده‌های میانه» از اهمیت بسزایی برخوردار است، ولی تاکنون به چاپ نرسیده است. درباره شهر خاموشان (گورستان) پنجکنت تحقیقی ویژه انجام شد. درباره تاریخ سغد و اسروشنه نیز تحقیقاتی ویژه انجام شد.

آ. آ. فریمان به تنهایی پژوهش درباره اسناد سغدی مجموعه کوه مغ را آغاز نموده بود، ولی تنها در سال ۱۹۶۳ م چاپ کامل آنها توسط مؤلفانی زبده تحقق یافت. پیش از این، برخی اسناد دیگر نیز منتشر شده بودند، ولی سرانجام علم سکه‌شناسی آسیای میانه موفقیت زیادی کسب نمود و مدارک سکه‌شناسی غنی و پربراری تهیه و تنظیم گردید و رشته‌های جدید آن یعنی ترکی و سغدی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

در تعدادی از نشریات ادواری، اطلاعاتی درباره آخرین دستاوردهای مربوط به رشته‌های مختلف تاریخ سغد باستان موجودند.

با وجود این، اگر ما آثار ویژه و کلی موجود درباره آسیای میانه، به ویژه، سغد را مورد توجه و دقت نظر قرار دهیم به آسانی پی خواهیم برد که پیش از همه درباره جغرافیای تاریخی و تاریخ سیاسی آن پژوهش‌هایی صورت گرفته شد. گذشته از موفقیت‌های به دست آمده در رشته باستان‌شناسی دوران متأخر، فرهنگ مادی (عینی و ملموس) (Material culture) این سرزمین از جمله هنر، به گونه‌ای کاملاً مبسوط تشریح شده است. در زمینه تاریخ داخلی این سرزمین پژوهش کمتری انجام شد، به گونه‌ای که حتی تا همین اواخر به نظر می‌رسید که کشف نشده است. مسائل اصلی اقتصادی و مناسبات اجتماعی آسیای میانه به

صورت وسیع تحقیق و بررسی نشده‌اند. تفسیر و تشریح آنها بیشتر بر اساس موازین کلی نظری و نتایج حاصل از عقاید غیر تجربی بودند. علت اصلی و مهم کم‌کاری در پژوهش این مسائل مربوط به مشکلات اجتماعی و اقتصادی و نبود اطلاعات عینی در دورانی متمادی بود، زیرا در منابع بومی، در وهله اول، سند و سکه وجود نداشت. در عین حال، متون سغدی مکشوف هیأت تحقیقاتی ا. استاین و پ. پلیو عملاً بعد از اثر و. و. بارتولد در معرض دید مورخان آسیای مرکزی قرار گرفت.

کشفیات باستان‌شناختی دوران متأخر که مملو از آثار عینی و ملموس، اطلاعاتی از مجموعه اسناد کوه مغ و سکه‌های سغدی بودند، طبیعتاً لزوم بازبینی مطالعات پیشین و نتایج حاصل از آن را ایجاب نمودند و باعث شدند تا دگربرار نسبت به منابع پیشین نظری انتقادی بیفکنیم. در منابع کتبی، تاریخ آسیای میانه، اوایل سده‌های میانه به خوبی توصیف شده‌اند. رویدادنامه‌های دودمان‌های چینی و خاطرات سیاحان چینی تا به امروز اساس کار ما برای مطالعه دوران فتوحات عربها بوده است. اولین اسناد از این قبیل شامل بخش‌های ویژه‌ای هستند که به توصیف حکومت‌های خارجی، از جمله حکومت‌های آسیای میانه پرداخته‌اند. بخش‌های مربوط به آسیای میانه توسط ن. یا. بیچورینی *bičurini* و ی. شاون *É. Chavannes* ترجمه شده‌اند. متأسفانه روش و اصول تشخیص اسامی افراد و نام‌های جغرافیایی و قومی و نیز اصطلاحات متعلق به سرزمین‌های آسیای میانه در مآخذ چینی هنوز دشوار و عاری از دقت است و این امر به هنگام استفاده از این مآخذ مهم دست اول عملاً دشواری‌هایی را پدید می‌آورد.

مابرای بررسی تاریخ آسیای میانه در دوران اشغال عرب‌ها از آثار مورخان و جغرافی‌نگاران اسلامی و سپس روایات فارسی آنان به عنوان منابع بهره جستیم. یکی از مهم‌ترین آثار مذکور تاریخ طبری است. این اثر بزرگ تا روزگار ما نیز

به مثابه مأخذی بسیار معتبر و جاویدان پابرجاست. در این اثر مجموعه‌ای از اخبار به گونه‌ای ماهرانه و با نظمی مشخص جمع‌آوری و هر یک به رویدادی اختصاص داده شده است. این تاریخ‌نگار ضمن استناد به منابع کتبی و شفاهی به بخشی از رویدادهای نزدیک به زمان خود اشاره کرده و به وصف آنها پرداخته است.

اثر «فتوح البلدان» مورخ عرب، بلاذری (درگذشته سال ۸۹۲ م)، نیز به عنوان مأخذی مهم برای بررسی رویدادهای آن روزگار از اهمیت فراوان برخوردار است. در این اثر، با وجود اختصار، اطلاعاتی اساسی افزون بر اخبار طبری و یعقوبی، مورخ و جغرافی‌نگار عرب (درگذشته سال ۸۹۷ م) وجود دارد که از منابع دیگری استفاده کرده است.

اخبار این مؤلفان را تا حد بسیار زیادی کتاب «تاریخ» ابن اثیر (۱۱۶۰-۱۳۳۴ م) تکمیل می‌کند، زیرا منابع مهم آن برای سه سده اول اسلام، اثر طبری است. به عقیده و. و. بارتولد می‌توان به اخباری که ابن اثیر از روی دیگر منابع ناشناخته نقل کرده است کاملاً اعتماد نمود. نسخه اصلی به زبان عربی اثر ابو محمد بن اعثم کوفی، در واقع منبعی جدید به شمار می‌آید. این شخص هم‌عصر بلاذری و طبری بوده و شهرتش به سبب وجود روایات کوتاه فارسی در نوشته‌های اوست. متأسفانه تنها قسمت بسیار اندکی از نسخه خطی کتاب ابن اعثم کوفی توسط ا. ن. کورات دانشمند ترک کشف و منتشر گردیده و در دسترس قرار گرفته است. قطعاتی از آن که توسط این نویسنده ترک منتشر و درباره لشکرکشی‌های عرب‌ها به آسیای میانه است، خود نموداری از اهمیت این اثر برای تاریخ منطقه مذکور است.

و اما در ارتباط با متون تاریخی فارسی، تاریخ جامع بلعمی که در سال ۹۶۳ م تدوین یافته و تحت عنوان «تاریخ طبری» شهرت دارد، در حکم منبعی مهم و

اصیل است. همانگونه که امروزه معلوم گشته است، بلعمی فقط به بازنویسی ساده و مختصر این نسخه اصلی، یعنی تاریخ طبری بسنده نکرد، بلکه اخبار بسیار مهم مربوط به آسیای میانه را که در کتاب تاریخ طبری نیامده است از سایر منابع گردآورده و در کتاب خود ارائه نموده است. در واقع، بلعمی اثری نو پدید آورد. یکی از منابع مورد استفاده بلعمی، اثر فوق‌الذکر ابن اعثم کوفی است که وی به صورتی غیرمستقیم به مطالب آن استناد کرده است. بلعمی بخشی از اطلاعات پیرامون آسیای میانه، از جمله متن توافق‌نامه سال ۷۱۲ م سمرقند را از کتاب کوفی اقتباس کرده است. بدیهی است که این بخش از اطلاعات او برای ما از اهمیت بیشتری برخوردار است.

از جمله آثاری که بر اساس همین نسخه اصلی عربی تهیه شده و بسیار مورد استفاده ما بوده کتاب «تاریخ بخارا» ی نرشخی است که نمونه بارز یکی از سبک‌های ادبیات جغرافیایی، یعنی تاریخ شهرها در سده‌های ۹-۱۰ میلادی است. متن فارسی «تاریخ بخارا» که امروزه در دسترس ماست، در واقع اثری است که در سده چهاردهم میلادی از قسمت‌های مختلف و درباره‌ی زمان‌های متفاوت تاریخی تدوین یافته و با نسخه اصلی عربی اختلاف فاحش دارد. تاریخ بخارای نرشخی که در حدود سال ۹۳۲ م به زبان عربی و بر اساس آثار کلاسیک بلاذری و طبری تدوین یافته است و به گمان برخی، آخرین نسخه اصلی مدائنی دانسته شده در سده دوازدهم توسط قباوی اهل فرغانه به زبان فارسی ترجمه گردید. قباوی در حین ترجمه این اثر از آثار دیگران نیز بهره گرفت. از جمله از دو اثر تحت عناوین «خزائن العلوم» نیشابوری و «اخبار مقنع» که بنا به گفته خود قباوی مؤلف آن شخصی به نام ابراهیم بود. استفاده قباوی از قسمت‌هایی از این آثار دلیل بر ارزشمندی آنهاست، زیرا ابراهیم در اثر خود بخش آغازین سندی را که حکایت از توسل جستن مقنع مشهور به دیهگانان (دهقانان) ماوراءالنهر دارد و

قسمتی از سند اواخر سده هشتم میلادی است، بیان داشته که برای ما به عنوان منبع به شمار می‌آید. مقنع استاد سفیدکاری پارچه بوده و به پیشکسوت بومی «سفیدکاران پوشاک» شهرت داشته است. اخبار گفت و شنودی و افسانه‌های بومی این اثر که توسط قباوی جمع‌آوری گردیده برای ما از جهت آنکه او یک فرد بومی بوده و خود نرشنخی نیز مؤلف نسخه اصلی و به زبان عربی این اثر بوده، بسیار با ارزش است. نرشنخی و قباوی، مترجم و ویراستار این اثر، هر دو به نوبه خود مرز بین اخبار ادوار مختلف و منابع مورد استفاده خویش را کاملاً دقیق مشخص نموده و کاربرد این اثر را آسان کرده‌اند. زیرا امکان تعیین قدیمی‌ترین قسمت نگارش «تاریخ بخارا» و دستیابی به اخبار دوران پیش از اسلام (قدیم) و شعائر (رسوم) پیش از اسلام را که در سطح کتاب پراکنده است، فراهم ساختند.

تاریخ شهر سمرقند تحت عنوان «کتاب القند فی تاریخ سمرقند» نسفی (در گذشته سال ۱۱۴۲ یا ۱۱۴۳ م) که متن عربی آن تاکنون به دست ما نرسیده، از زمره همین نوع آثار است. ترجمه فارسی آن تحت عنوان «قند کوچک» با نگارش‌های متفاوت شهرت دارد.

ما از آثار جغرافی‌نگارانی چون اصطخری، ابن حوقل، مقدسی، ابن خردادبه و همچنین ترجمه فارسی بدون عنوان کتاب اصطخری (سده دوازده) که حاوی اطلاعات زیادی درباره آبیاری کشور، کانال‌ها، آسیاب‌ها و همچنین برخی اطلاعات که پیرامون اقتصاد و مناسبات اجتماعی در راستای آنهاست، استفاده نمودیم.

اخیراً منابع جدیدی به منابع پیشین اصلی ما افزوده شده‌اند که ارزیابی اهمیت آنها مشکل است. این منابع، اسناد ربع اول سده هشتم م هستند که در تدوین کتاب حاضر بسیار ما را یاری نمودند. اسناد کوه مغ مجموعه بسیار با ارزش و متشکل از ۹۷ سند به زبان سغدی و اسنادی به زبان‌های ترکی (نامه رونی)، عربی

(نامه‌های دیهگان پنجکتی، دیواشتیچ، به والی عربی) و چینی است. این مجموعه به همین صورتی که تاکنون به دست ما رسیده، بقایای چندین بایگانی است. بایگانی دیهگان پنجکتی، دیواشتیچ (سال‌های ۷۰۸-۷۲۲ م) در میان آنها از نظر تعداد اسناد و اهمیت‌شان در مقام اول است. به گونه‌ای که از اسناد آن پیداست، این شخص بیش از دو سال لقب شاه سغد را داشته است. بایگانی دیگر متعلق به فرماندار (فرماندار) است که صاحب منصب بزرگ سغدی و نماینده‌ای از نجیب‌زادگان بوده و هویت او هنوز برای ما ناشناخته است. مابقی، بایگانی‌های حاوی اسناد جداگانه‌ای هستند که به دیهگانان خاخر، کشتوت و غیرو تعلق دارند. مجموعه اسناد کوه مغ از نظر مضمون، همانگونه که انتظار می‌رفت متفاوت و شامل مکاتبات دیهگانان (دهقانان) و مردمان با یکدیگر و با عرب‌ها، اسناد اقتصادی (یادداشت‌های محاسباتی، رسیده‌ها، گزارشات، فرامین) و سرانجام اسناد حقوقی (سند خرید و فروش، اجاره نامه و قبالة ازدواج) بوده است.

از نظر زمانی، اسناد این بایگانی‌ها کلاً به دوران نسبتاً کوتاه ربع اول سده هشتم میلادی تعلق دارند. این زمان دقیقاً مصادف با زمان لشکرکشی‌های اشغالگرانه والی و سردار عرب، قتیبه، به قلب کشور بوده است، یعنی در واقع زمان اعمال سیاست عربی در سغد. به همین سبب نامه شاهان سغدی و نامه‌ارسالی به آنان منابعی هستند که برای مشخص نمودن اوضاع بسیار متشنج کشور در درجه اول اهمیت قرار دارند. رکود کلی اقتصادی کشور، گرسنگی و ویرانی‌ها در این نامه‌ها منعکس گردیده‌اند. از روی همین نامه‌ها می‌توان تصویر درستی از مناسبات متقابل سغدیان با اشغالگران به دست آورد و مثل همیشه، اخبار طبری هم مزید بر این اخبارند. در بین این مکاتبات دو نامه از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. اولی: نامه به زبان عربی دیواشتیچ به والی عرب، یعنی تنها مدرکی که به زبان عربی نوشته شده است. دومی: نامه امیر عرب، عبدالرحمان بن صبح

به دیواشتیچ که به زبان سغدی است.

هر دو نامه با خطی خوش نوشته شده‌اند. نامهٔ عربی با حروف تحریری و بزرگ کوفی، نامهٔ سغدی به خط شکسته و کشیدهٔ سیاق سمرقندی. از قرار معلوم، در دبیرخانه‌های عربان کاتبان سغدی و در دبیرخانه‌های سغدیان کاتبان عرب به کار اشتغال داشته‌اند. از روی خطِ نامه‌ها مشکل می‌توان گفت که خود عرب‌ها و یا سغدیان دارای آنچنان خط زیبایی بوده‌اند. این نامه‌ها بنابر معمول و عادت مألوف نگاشته شده‌اند. نامهٔ عربی که به امیر الجراح نوشته شده با کلمات مرسوم «بسم‌الله» آغاز شده است. در حالی که، نامهٔ سغدی که خطاب به دیواشتیچ پادشاه سغد است، با کلمات «به نام خدا» آغاز شده که به نظر می‌رسد از زبان فارسی میانه (ساسانیان) اخذ شده باشد، یعنی همان کلمات مرسوم که عربان هنگام خطاب به کار می‌بردند، زیرا ما در هیچ‌یک از نامه‌های شناخته شدهٔ خود، از جمله نامه‌های کوه مغ به چنین جملاتی برنخوریم.

نامهٔ دیواشتیچ به سال ۷۱۸-۷۱۹ م نوشته شده است. نامهٔ امیر عرب عبدالرحمان به دیواشتیچ می‌تواند در سال ۷۰۹-۷۱۲ م و یا دیرتر، در سال‌های ۷۱۸-۷۲۲ م نوشته شده باشد. و. آ. کراچکوفسکی و ای. یو. کراچکوفسکی بر روی یکی از این دو نامه تجزیه و تحلیل جالب و پرارزشی نموده‌اند. نامهٔ عبدالرحمان به دیواشتیچ به استثنای برخی از قسمت‌های آن (سطرهای ۱۰-۱۱ و ۱۶) در زمان کشف رمز حروف آن مشکل خاصی ایجاد نکرد و فرستنده نامه تقریباً بلافاصله مشخص گردید. در همان اسناد کوه مغ، مدارک اقتصادی و غیره چندین بار کلمهٔ  $\gamma myr$  یا  $\gamma r'yr$  (سند<sup>۵</sup> BG و AG و Nov. I) آمده است. افرادی حدس زده‌اند که این کلمه، اسم خاصی بوده که در نامهٔ سغدی آمده است (در زبان سغدی این کلمه بیگانه است). م. ن. بوگلیوئف از این کلمهٔ  $\gamma myr$  موجود در اسناد کوه مغ، نوعی تلفظ قانونمند کلمهٔ عربی  $\gamma myr$  (امیر) (قس با کلمهٔ

خوارزمی (hmir) در زبان سغدی را استنباط کرده است. نگارنده به هنگام مطالعه سطر دوم (به ویژه سطر اول) نامه، یعنی سطر

MN γmyr, "Btrywm'n Pwn swp□'t s□wδyk MLK' Sm'rknδc MR'Y

به معنی (از سوی امیر □ptrywm'n Pwn swp□" به شاه سغد، فرمانروای سغدی) دیواشتیچ) به طور طبیعی به منبع خویش، یعنی کتاب طبری، مراجعه نمود و ضمن مطالعه بخش مربوط به لشکرکشی عرب‌ها به آسیای میانه به اسم عبدالرحمان بن صبح برخورد و وقتی که برایش مشخص گردید که این شخص همان امیر عرب است که در رأس سپاه در لشکرکشی عرب‌ها به کش در سال ۷۲۰م شرکت مستقیم داشته، حدس او به یقین مبدل گشت و همسانی کلمات سغدی □Btrywm'n Pwn swp□" با امیر عرب، عبدالرحمان بن صبح، هم برایش محرز گردید.

مضمون نامه امیر مهم است. زیرا توانست پرسش محققانی را که از مدت‌ها پیش مشغله فکری آنان دانستن سال دقیق پادشاهی دیواشتیچ در سغد بوده، پاسخ دهد. این موضوع برای مشخص نمودن سیاست آن زمان هم اهمیت دارد، زیرا از این نامه، بیش از هر چیز، چنین استنباط می‌شود که عرب‌ها دیواشتیچ را به عنوان پادشاه (MLK) سغد و شاید حتی دست‌نشانده خویش به رسمیت شناخته بودند. نویسندگان مابقی نامه‌های یافت شده در قلعه‌ای بر کوه مغ، نه تنها همانند دیواشتیچ شاهدان همان رویدادهای ذکر شده در نامه‌ها بودند، بلکه به عنوان افرادی فعال در آن رویدادها شرکت و با یکدیگر ارتباط بسیار نزدیکی نیز داشته‌اند. این نامه‌ها منتشر گردیده و حتی برخی از آنها دو تا سه بار چاپ شده‌اند. هم اکنون این وظیفه به عهده محققان محول گشته تا دگر بار آنها را مطالعه نموده و با تشخیص حروف دست‌نوشته‌ها، ترجمه‌ها را بازبینی نمایند، زیرا مضمون نامه A9 همچنان نامفهوم است. در این نامه تنها در یک مورد شکی

زیرا مضمون نامه A9 همچنان نامفهوم است. در این نامه تنها در یک مورد شکی نیست و آن اینکه، همان گونه که گمان می‌رود نباید صحبت درباره برهمنان (برهمنیان) باشد. احتمالاً کلمه Kwc'nth سطر اول این نامه (که در ترجمه ناشر «کوچانی» ترجمه شده است) قرائت سغدی نام شهر خجند (خوجند) است که آخرین پناهگاه سغدی‌ان فراری از دست عرب‌ها به شهر فرغانه در سال ۷۲۱ م بوده که در همانجا هم به قتل رسیده‌اند. از نظر همگون سازی کلمات احتمال بسیار دارد که اسم خجند را چینیان با حرف اول صامت نرم و به صورت kiu-tchan-t'i ادا کرده باشند. در این صورت این کلمه با کلمه‌ای که در نامه سغدی‌ان نوشته شده مطابق است. بنابراین، در سطرهای اولیه نامه A9، سخن درباره خجند و رویدادهایی است که در آن زمان در سغد و خوتال اهمیت داشته، نه درباره گرایش توده مردم بومی به سوی «دین برهمن». سطرهای اولیه سند B18 که در واقع باید مشخص کننده مضمون سطرهای بعدی باشد، کاملاً مفهوم نیست. در این نامه‌ها درباره مسبب ویرانی خانه و کاشانه مردم نوشته نشده است، بلکه مقصرین اصلی این رویدادها را افشا کرده‌اند.

ضمناً جا داشت که تسلسل نامه‌ها (از نظر زمانی) مشخص گردد و در صورت امکان ارتباط آنها با یکدیگر تعیین شود، زیرا این کار تاکنون انجام نشده بود و تنها به همین شرط می‌شد به مضمون واقعی نامه‌ها پی برد و اشخاصی را که نام آنان در این اسناد آمده است، یکی دانست. بدین ترتیب مشخص گردید که نامه A9 مزبور توسط همان «رئیس خانه» (r'spn) یعنی دیواشتیچ نوشته شده است، زیرا در نامه ارسالی به آخرین دیهگان پارتانی (؟) ریوخشیان Rivaxšian (مدرک B18)، به اخبار او استناد شده است. مهمتر از آن اینکه احتمالاً این نامه درباره همان رویدادی است که ریوخشیان به اطلاع دیواشتیچ رسانده بود (مدرک Nov. 2، سطرهای ۱۰-۱۱). در ضمن باید متذکر شویم که نام آخرون در اسناد

کوه مغ نیامده است. در نتیجه، نامه‌ای وجود ندارد که برای او و یا از سوی او نوشته شده باشد. زمان مکاتبه کاملاً نشان‌دهنده آن است که دیواشتیچ نامه‌ای برای عامل حکومت، الجراح، نوشته و امیر عرب، عبدالرحمان، نامه‌ای برای دیواشتیچ شاه سغد نوشته است.

مدارک کوه مغ از نظر تنوع نه تنها برای احیای گوشه‌هایی از تاریخ سیاسی سغد به عنوان منبعی منحصر به فرد به حساب می‌آیند، بلکه برای داوری درباره سایر جهات زندگی آنها نیز حائز اهمیت است. بدین سبب، اسناد اقتصادی آن، امکان برداشتی واقعی از حیات اجتماعی - اقتصادی سغد، اقتصاد، ساختار اداری، دبیرخانه‌ها، طریقه محاسبات آنان را برایمان فراهم می‌سازند. یعنی این اسناد می‌توانند اطلاعاتی درباره آن روی حیات داخلی کشور، که ما تاکنون با آنها آشنا نبودیم، در اختیار ما قرار دهند. غیر از آن، حتی در اسناد اقتصادی آنها اصطلاحاتی وجود دارند که از جمله اصطلاحات اجتماعی هستند و معنا و مفهوم آنها تاکنون مشخص نشده است. برخی از اسناد اقتصادی (b16, B9, Nov.6) و همچنین مدارک حقوقی نیز همانند نامه‌ها از نظر کشف رمز حروف و ترجمه نیاز به بازبینی دارند. در نتیجه، مدارک کوه مغ همان منابعی بودند که نگارنده اثر حاضر توانست بر اساس آنها نقشه اصلی زرافشان علیا را بازسازی و یکی از لکه‌های سفید روی نقشه آسیای میانه اوایل سده‌های میانه را پر نماید.

یافته‌های هیأت ا. اشتاین در دون هوان که اصطلاحاً «نامه‌های باستانی» نامیده شده‌اند، آثاری منحصر به فرد بوده و برخلاف اسناد کوه مغ، گفتمان سغدیان است. این نامه‌ها از آن جهت که می‌توانند برای اثر حاضر، اطلاعاتی درباره فعالیت تجاری سغدیان در اختیار ما قرار دهند، ارزش بسزایی دارند. این نامه‌ها برای داوری درباره ترکیب اجتماعی مستعمرات سغد، از جمله درباره طبقاتی به نام «آزادان» در جامعه آن دوران ارزشمندند. دیوارنگاره‌های ساختمان صومعه‌ها،